

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»
سال پنجم، شماره چهارم (زمستان ۱۳۹۶)

پیوند ویرایش با سه عنصر ترجمه در نظریه نایدا (مورد پژوهی در ترجمه قرآن کریم)

غلامرضا مستعلی پارسا^۱
سعید قاسمی پُرشکوه^۲
منصوره برزگر کلورزی^۳

چکیده

یوجین نایدا (Eugene Nida) از پیشگامان عرصه ترجمه و زبان‌شناسی است که در نظریه ترجمه خود در کتاب به سوی علم ترجمه، عناصری را در فرایند ترجمه ذکر کرده‌است که عبارتند از: «اضافه، حذف و تغییر». این مقوله‌ها را می‌توان با فرایند ویرایش در سه سطح ساختاری، محتوایی و فنی سنجید. در این مقاله، نخست شباهت عناصر مذکور در نظریه ترجمه نایدا با انواع ویرایش ذکر می‌شود و آنگاه این عناصر مشابه در ترجمه‌های قرآن کریم به عنوان یک متن بررسی، و بر این نکته تأکید می‌شود که ترجمه‌های قرآن نیز انواع ویرایش را برمی‌تابند؛ بنابراین، مقاله حاضر دو هدف را دنبال می‌کند: اول اینکه عناصر ویرایش و عناصر ترجمه در نظریه نایدا با یکدیگر شباهت و اشتراک دارند. دوم آنکه عناصر مذکور در ترجمه‌های قرآن قابل اجراست. برای انجام این پژوهش، به روش تحلیل علمی، عناصر نظریه نایدا و پیوند آن با انواع ویرایش در سه حوزه ۱. اضافه ترجمه‌ای و ویرایشی، ۲. حذف ترجمه‌ای و ویرایشی و ۳. تغییر ترجمه‌ای و ویرایشی و در پایان، در ترجمه‌های قرآن بررسی شده‌است و با ذکر شواهد، برخی از نقص‌های ویرایشی در ترجمه‌های قرآن کریم نشان داده شده‌است که خود، ضرورت همکاری مترجم و ویراستار را تأیید می‌کند، به گونه‌ای که مترجمان باید برای تبیین بهتر آیات، یا خود دست به ویرایش بزنند و یا با ویراستار در ارتباط باشند و با ویرایش ترجمه‌های خود بر کیفیت آن‌ها بیفزایند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تقدیم و تأخیر، سیاق، نظم، ترجمه.

** تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۹

mastali.parsa@gmail.com

۱- دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

Saeedghpo@gmail.com

۲- نویسنده مسئول: دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

mansureh.barzegar@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری ادبیات عرفانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین

مقدمه

فهم هر نوشته‌ای، اعم از ادبی و غیرادبی، نیاز به بازبینی دارد. این بازبینی در حوزه الفاظ نوشته یا محتوای آن است. بازبینی محتوایی و معنایی، چنان‌که از نام آن پیداست، نیازمند فردی است که در آن حوزه، تخصص علمی داشته باشد، اما برای آنکه متن در ظاهر نیز زیبا، خوانا و رسا باشد و مفهوم آن زودتر و در کمترین زمان ممکن به خواننده منتقل گردد، نیاز به بازبینی دارد. قطعاً این بازبینی لفظی، هنر و فن ویراستار متن است که با بازبینی محتوایی نیز در پیوند است، چون ویرایش لفظ قاعداً در محتوای اثر نیز تأثیر دارد و باعث افزایش دقت، اعتبار، نظم، آراستگی و رعایت جمله‌بندی و یکدست کردن متن می‌شود و نیز درک مفهوم و معنای الفاظ و جملات برای مخاطب آسان‌تر خواهد بود. ویرایش، منحصر به متونی نیست که به زبان فارسی تألیف شده‌است، بلکه در متون ترجمه نیز ضرورت ویرایش احساس می‌شود و شاید بتوان گفت مهم‌تر از خود متن ترجمه به شمار می‌آید؛ چراکه نویسنده متن فارسی، به طور طبیعی با ساختار دستوری و آیین نگارش فارسی آشناست و جملاتی که می‌نویسد، نسبت به متونی که از زبان‌های خارجی ترجمه می‌شود، استحکام بیشتری خواهد داشت؛ زیرا در حالت عادی ممکن است مترجم متأثر از روح زبان خارجی یا قواعد و نحو آن زبان در ترجمه تحت‌اللفظی باشد و بدین ترتیب، ویرایش در متون ترجمه بیش از هر متن دیگری ضروری است، هرچند در هر دو نیز استثناء دیده می‌شود؛ یعنی گاهی نویسنده زبان اصلی با زبان مادری خود چندان آشنا نیست، همچنان‌که بسیاری از مترجمان با هر دو زبان اصلی و مادری به‌خوبی آشنا هستند و ترجمه‌هایی بسیار زیبا و اگر نگوئیم بی‌نقص، کم‌نقص از خود به جای گذاشته‌اند و می‌گذارند که در طول تاریخ ترجمه ایران، از این دست مترجمان کم نیست.

در ترجمه‌های قرآن کریم و ادعیه نیز با دو زبان و متن مبدأ (عربی) و مقصد (فارسی) سروکار داریم و هرچند مترجمان به زبان مقصد (زبان و متن فارسی) آشنا و مسلط هستند، اما با وجود این، بیراه نیست اگر ادعا شود که در بسیاری از ترجمه‌ها، موازین و اصول ویرایش جملات فارسی رعایت نشده‌است، به گونه‌ای که اگر مثلاً حجم کل قرآن را با حجم ترجمه‌های آن بسنجیم، در ترجمه‌ها می‌توان اطناب را به‌روشنی مشاهده کرد، در حالی که با ویرایش ترجمه‌ها می‌توان از حجم آنها کاست و این خود لزوم بازنگری یا ویرایش ترجمه‌ها و همکاری و ارتباط بیشتر مترجمان و ویراستاران را ایجاب می‌کند.

هر متنی، اعم از تألیف و ترجمه، به بازبینی و ویرایشی به یکی از سه شیوه «ساختاری، محتوایی و فنی» نیاز دارد و می‌توان ادعا کرد کمتر متنی یافت می‌شود که به ویرایش نیاز نداشته باشد. این سخن در باب متون ترجمه بیشتر صدق می‌کند و فرایند ترجمه غالباً در حین ترجمه یا پس از آن، همگام با

فرایند ویرایش پیش می‌رود و مترجم یا همزمان با ترجمه دست به برخی از اعمال می‌زند که باعث تنقیح متن ترجمه می‌شود و یا پس از ترجمه و حین بازنگری مجدد دست به ویرایش در ترجمه خود می‌زند. از میان انواع نظریات مطرح در ترجمه، یوجین نایدا، زبان‌شناس معاصر آمریکایی، از پیشروان عرصه ترجمه، در نظریه‌ای که ارائه داده، به برخی از مقوله‌های مؤثر در فرایند ترجمه اشاره کرده‌است که عبارتند از: «اضافه، حذف و تغییر» (Nida, 1964: 226-233). این سه مقوله را می‌توان در فرایند ویرایش نیز مشاهده کرد و محققان این حوزه، ویرایش را به اعتبار نوع آن، به سه نوع «ساختاری، محتوایی و فنی» (سمعی گیلانی، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۹ و ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۷) تقسیم کرده‌اند که با توجه به وظایف ویراستار در این سه حوزه، می‌توان شباهت انواع ویرایش را با مقوله‌های مطرح در نظریه ترجمه نایدا مشاهده کرد. لذا در این پژوهش، به ارتباط انواع ویرایش با عناصر سه‌گانه مطرح در نظریه ترجمه نایدا، و آنگاه انواع ویرایش در ترجمه‌های قرآن پرداخته شده‌است. در پایان، بر این نکته تأکید شده که در ترجمه‌های قرآن، چه از حیث ماهیت ترجمه و هنگام فرایند ترجمه، و چه از نظر فرایند ویرایش پس از ترجمه، نیاز به ویرایش از سوی خود مترجم یا ویراستار دارد که چنین عملی به زیباتر و رساتر ساخت ترجمه و کاهش حجم ترجمه‌ها و در پایان، باعث کاهش هزینه چاپ ترجمه‌ها خواهد شد.

۱- پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های پژوهش عبارتند از:

الف) آیا می‌توان فن ترجمه و هنر ویرایش را در ترجمه‌های قرآن با هم در ارتباط دانست؟!

ب) آیا نظریه نایدا در ترجمه با ویرایش و انواع آن می‌تواند تناسب داشته باشد؟!

ج) آیا ترجمه‌های قرآن نیازمند ویرایش از سوی ویراستار است؟!

۲- فرضیه‌های پژوهش

در پاسخ به پرسش‌های مطرح، می‌توان این فرضیه‌ها را نصب‌العین خود قرار داد که اولاً هر متن ترجمه‌ای نیازمند ویرایش از سوی خود مترجم یا ویراستار است. از این رو، فن ترجمه و هنر ویرایش می‌توانند با یکدیگر در پیوند باشند. ثانیاً این پیوند، افزون بر عمل مکانیکی ویرایش، در اصول علمی نیز می‌توانند متناسب باشند و برخی از عناصر نظریه نایدا (مثل افزایش، حذف و تغییر) را می‌توان در انواع ویرایش نیز مشاهده کرد. ثالثاً با توجه به دو مورد گذشته، می‌توان ادعا کرد که ترجمه‌های قرآن نیز مستثنی نیستند و نیاز به ویرایش آنها کاملاً محسوس است و مترجمان نیز نیاز است که در متن ترجمه‌های خود بازنگری ویرایشی کنند.

۳- پیشینه

تاکنون در باب پیوند ترجمه و ویرایش در هیچ یک از منابع این دو علم و هنر سخنی بایسته و کامل به میان نیامده‌است و تنها در برخی کتب، اشارات کوتاه و پراکنده‌ای به ارتباط آن دو شده‌است و فقط توصیه‌هایی به ویراستار یا مترجم شده که در ویرایش متون آن را رعایت می‌کنند. پژوهش‌های زیر از جمله این موارد است:

- ناظمیان در کتاب فن ترجمه قایل است به اینکه «بازبینی» یا «ویرایش» و «ساماندهی» متن از وظایف مترجم است تا ترجمه پریشان نباشد و سبک ترجمه، یکدست باشد (ر.ک؛ ناظمیان، ۱۳۹۲: ۲۰۳).
- یاحقی و ناصح بر آنند که همچون متون تألیفی، ویراستار باید به سبک ترجمه مترجم احترام گذارد و مطابق سلیقه خود در متن ترجمه و تألیف تصرف نکند، چون «هر اثری سبک خاص صاحب آن اثر است، نه نمودار سبک ویراستار آن» (یاحقی و ناصح، ۱۳۷۳: ۱۲۲).
- علی خزاعی فر در مقاله «سبک نویسنده، سبک مترجم» متذکر می‌شود که «مترجم باید ابتدا سبک متن اصلی را مشخص کند و بعد معادل آن سبک را در زبان خود پیدا کند و تلاش کند تا آنجا که زبان فارسی اجازه می‌دهد، ویژگی‌های آن سبک را در ترجمه خود بازآفرینی کند» (ر.ک؛ خزاعی فر، ۱۳۸۹: ۲).

۴- پیوند ویرایش و ترجمه

هرچند ویراستار و مترجم در مقاطع مختلف فرایند ترجمه و ویرایش، وظیفه‌ای مشترک دارند، اما می‌توان گفت، ویرایش حلقه میانی ورودی و خروجی در فرایند ترجمه می‌تواند باشد، چنان‌که مترجم در این فرایند، نخست دست به «وضع واژه» می‌زند، سپس آن را «ویرایش» می‌کند و در پایان، بهترین و نزدیکترین معادل را در زبان مقصد «حفظ» می‌کند. از این رو، شکل زیر را برای پیوند فرایند ترجمه و ویرایش ارائه داده‌اند (Robinson, 2003: 91):



شکل (۱) پیوند ترجمه و ویرایش

با مطالعه و تطبیق کتب مربوط می‌توان پیوند عمیق این دو فن یا هنر را به‌خوبی مشاهده کرد و می‌توان گفت «همواره ویراستار و عمل ویرایش، واسطه میان نویسندگان یا مترجم و بازار است و همچنان‌که معمولاً ویراستار با نویسنده همکاری می‌کند، مترجم نیز با ویراستار به عنوان یک عامل ایجاد صدا یا خواننده بالقوه کتاب، همکاری است» (The Oxford Handbook of Translation Studies, 2012: 107).

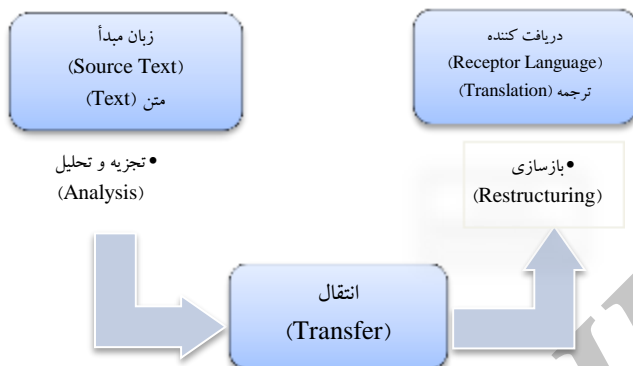
۵- نظریه ترجمه نایدا

نظریه ترجمه نایدا هنگامی شکل گرفت که او مشغول «ترجمه و ساماندهی ترجمه انجیل» بود (Munday, 2008: 38). از نظر نایدا (و تابر)، هدف ترجمه، «بازتولید متن» است و آن‌ها عمل ترجمه را به بازتولید در زبان مقصد با طبعی‌ترین معادل متن در زبان مبدأ تعریف می‌کنند: نخست در «معنی»، سپس در «سبک» (Nida & Taber, 2003: 12). طبق این تعریف، در فرایند معادل‌یابی، مترجم واسطه تولید متن است و می‌توان طرح کلی زیر را برای آن ارائه داد:



شکل ۲) وساطت مترجم در انتقال پیام

با این طرح، مترجم هم به عنوان دریافت‌کننده، هم در مقام فرستنده (Receptor & Sender) عمل می‌کند؛ دریافت‌کننده متن مبدأ (ST) و فرستنده متن ترجمه در متن مقصد (TT) (Williams, Nd: 64) و همزمان با ترجمه و انتقال متن اعمالی را انجام می‌دهد که پیام در زبان مقصد، از نظر معنا و سبک، هرچه بیشتر، بهتر و آسانتر درک شود. الگوی نایدا از فرایند ترجمه را می‌توان در شکل زیر خلاصه کرد:



شکل ۳) الگوی نایدا از فرایند ترجمه (Bassnett, 2002: 25)

در این الگو، از نظر نایدا «در مرحلهٔ تحلیل، روساخت (یعنی متن / پیام به صورتی که در زبان مبدأ آمده) از لحاظ معنای کلمات و ترکیبات و روابط دستوری میان آنها تحلیل می‌شود و در مرحلهٔ انتقال، مطلب تحلیل‌شده در ذهن مترجم از زبان (الف) به زبان (ب) برگردانده می‌شود و در مرحلهٔ بازسازی، مطلب برگردانده شده بازسازی می‌شود تا پیام نهایی در زبان مقصد کاملاً قابل فهم و پذیرفتنی باشد» (فرحزاد، ۱۳۸۴: ۳۹-۴۰). بنابراین، از هنگام رسیدن متن به دست مترجم تا خروجی کار، مراحل به گونهٔ زیر قابل تصور است:



شکل ۴) از متن تا ترجمه (Shaheen, 1991: 187)

در این الگو نیز نخست مترجم متن را می‌خواند و پس از فهم و تجزیه و تحلیل آن، به بازسازی ذهنی می‌پردازد و پس از تصمیم در گزینش معادل‌های مناسب، اقدام به بازسازی متن جدید می‌کند. پس از بازتولید متن، به ویرایش متن تولیدشده می‌پردازد و در پایان، متن را ارزیابی و عرضه می‌کند. برای هدفمند و روشمند بودن این پژوهش، از سخن نایدا یاری می‌جوییم که سه مقوله را در فرایند ترجمه مد نظر قرار داده‌است و بر آنها تأکید می‌کند و آن سه عبارتند از: «اضافه، حذف و تغییر» (میرعمادی، ۱۳۶۹: ۱۴). یادآوری می‌شود که در این پژوهش به سطح تأویلی و گشتارزدایی در نظریه نایدا توجهی نشده‌است و فقط به «بازتولید» توجه دارد نه بازنویسی (Paraphrase) (برای آگاهی بیشتر در باب این دو اصطلاح، ر.ک؛ فرحزاد، ۱۳۸۴: ۳۵-۴۶). لذا ابتدا جداگانه به هر یک از این مقوله‌ها اشاره می‌شود و در هر یک از آنها، پیوند ویرایش و ترجمه، و در پایان هر بخش، نمونه آن در ترجمه‌های قرآن نیز ذکر خواهد شد.

۶- اضافه و افزایش (Addition)

۶-۱- اضافه یا افزایش ترجمه‌ای

افزایش ترجمه‌ای را می‌توان با «ترجمه‌افزایی» (Over-Translation) سنجید که «به دلایلی، از جمله جلوگیری از سختی خوانش در زبان یا فرهنگ مقصد، انگیزه‌های ایدئولوژیک یا روانتر کردن ترجمه، جزئیات زیادی را که در متن اصلی موجود نیست، به ترجمه می‌افزاید» (همان، ۱۳۹۴: ۱۳۳)؛ یعنی معمولاً مترجم به منظور روشنی پیچیدگی‌های زبان مبدأ و تبیین مقصود نویسنده، عباراتی را به ترجمه می‌افزاید و در این حالت، همچون ویراستار عمل می‌کند؛ زیرا یکی از کارهای ویراستار نیز خوانش و انتقال رساتر مفهوم متن است که برای تبیین و یا تصحیح و تکمیل نظر مترجم و مؤلف اقدام به افزودن مطلب توضیحی می‌کند که در متن اصلی نیست و از سوی ویراستار به آن اضافه می‌شود، هرچند ممکن است عمل اضافه در ترجمه و ویرایش همواره مورد نیاز نباشد و یا نیاز به آن در یکی بیش از دیگری باشد.

اصولاً هدف افزایش را در ترجمه چند مورد از جمله «تقویت معنی» و «توضیح مطلب» برشمرده‌اند: «وَجُوزُ الْمُتَرْجِمِ أَنْ يَصِيفَ إِلَى الْمَعْنَى الْأَصْلِيَّ شَيْئًا مِنْ عِنْدِهِ لِقْوَيْتِهِ... وَ مِنْهُمْ مَنْ يَزِيدُ كَلِمَاتٍ وَ عِبَارَاتٍ إِضَاحِيَّةً فِي التَّرْجُمَةِ مِمَّا لَا وَجُودَ لَهُ فِي النَّصِّ الْأَصْلِيِّ وَ هَذَا النَّوْعُ مِنَ التَّرْجُمَةِ يُعْرَفُ بِالتَّصْرُفِ» (خلوصی، ۱۹۸۲م: ۱۵ و ۲۶). لذا عمل افزایش در ترجمه به دو علت صورت می‌گیرد:

یکی نبود معادل مناسب در زبان مقصد که در این صورت، طبق انواع معادل‌یابی در نظریات نوین ترجمه، «تناظر یک به صفر» یا «انتقال یک به صفر» بین زبان مقصد و مبدأ مشاهده می‌شود که بیشتر مربوط به فرهنگ‌های خاص زبان مبدأ است (ر.ک؛ لطفی پورساعدی، ۱۳۷۶: ۴۱-۳۶) و در کل، معادلی در زبان مقصد وجود ندارد که مترجم آن را برگزیند. لذا ناچار است دو شیوه را در پیش بگیرد: الف) انتقال همان واژه از زبان مبدأ به زبان مقصد و ذکر توضیح اضافی در پاورقی و بخش توضیحات. ب) ترجمه توصیفی، واژه، اصطلاح یا عبارت. در هر دو صورت، آنچه از زبان مبدأ وارد زبان مقصد می‌شود، «افزایش» یافته‌است؛ حال افزایش واژگانی یا معنایی. مسئله افزایش در برخی از تعریف‌های ترجمه، همچون تعریف و تقسیم‌بندی نایدا از ترجمه به صوری، اندکی مشکل‌ساز می‌شود. در این نوع ترجمه که به صورت واژگان وفادار است، با توجه به نبود معادل همه واژگان در زبان مقصد، مترجم مجبور به انتقال اصل واژه از زبان مبدأ می‌باشد. بنابراین، افزودن توضیح شخصی از سوی مترجم ضرورت می‌یابد. اما نقطه مقابل ترجمه صوری، ترجمه پویاست که صورت، وسیله انتقال پیام است و در صورت لزوم می‌توان اعمال گوناگونی مانند افزایش در معنی برای انتقال بهتر مفهوم متن اصلی انجام داد (ر.ک؛ صلح‌جو، ۱۳۸۵: ۵۸-۶۸). در ترجمه پویا که اصل ترجمه بر انتقال پیام و مفهوم بنا نهاده شده، دست مترجم نیز باز است و عمل افزایش کمتر دیده می‌شود و «ترجمه بیشتر رنگ و بوی زبان مقصد را دارد و گاه از بافت فرهنگی خود فاصله می‌گیرد و در بافت فرهنگی زبان مقصد، بومی می‌شود» (فرح‌زاد، ۱۳۸۴: ۳۸)، مگر اینکه واژه، اصطلاح یا مثل کلیدی در زبان مبدأ وجود داشته باشد که نشانه فرهنگ جغرافیایی و فرهنگ انسانی کل آن زبان، قومیت و نژاد خاصی باشد. در این صورت، هرچند مترجم معادلی را در زبان مقصد جستجو و بیان می‌کند، اما باز جمله و توضیحی را در باب پیوند این دو معادل به متن می‌افزاید. نوع سوم افزایش در ترجمه را می‌توان به ساختارهای غیرنشاندار (Unmarked) اشاره کرد که در متن ترجمه نسبت به متن مبدأ بیشتر هستند (ر.ک؛ فرح‌زاد، ۱۳۹۴: ۱۲۷) و رعایت این ساختارها در ترجمه برای روانتر شدن آن لازم است؛ مثلاً در نمونه‌های زیر، افزایش برای توضیح و تقویت مطلب آمده‌است:

«و فی الإحصائیة التونسية الخاصة بمطبوعات بیت الحکمة لا تُوجدُ سوی ۴ کتبِ معرّبة؛ و در آمار کشور تونس که متعلق به انتشارات بیت‌الحکمة است، تنها چهار کتاب یافت می‌شود که به زبان عربی ترجمه شده‌اند» (زرکوب و صدیقی، ۱۳۹۲: ۴۴).

«وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ» و البتّه (اخلاق و خواها و افعال و کردارهای) او بر آن کفران و ناسپاسی گواهی دهنده است ﴿(العاديات/۸)﴾.

۶-۲- اضافه یا افزایش ویرایشی

ویراستار نیز می‌تواند در حین ویرایش، نکات توضیحی خود را با اطلاع مترجم یا مؤلف در پاورقی و با ذکر «مطلب از ویراستار/ ویراستار» و امثال این اضافه نماید که البته این توضیحات به خود مترجم و مؤلف ارجاع داده می‌شود و توضیح به نام نویسندگان و مترجمان ثبت می‌گردد و در راستای روشن‌سازی مطلب، مواردی را افزایش می‌دهد که «مهم‌ترین وظیفه اوست» (Montagnes, 1991: 29) و در واقع، به ویرایش محتوایی اثر می‌پردازد و این نوع افزایش، باید «تنها در مواردی انجام گیرد که از ذکر داده مهمی غفلت شده باشد یا نکته حساسی مسکوت مانده باشد، به طوری که موجب نقص فاحشی گردد» (سمیعی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

بنابراین، این افزایش در ویرایش به دو گونه زیر است:

الف) افزودن «جمله توضیحی» در ترجمه که ویراستار همچون مترجم دست به افزایش می‌زند و کار او اعم از کار مترجم یا مؤلف است؛ بدین معنی که گاهی مؤلف با توجه به محیط جغرافیایی خود و به تناسب فرهنگی که با آن رشد و تربیت یافته، کلمات و جملاتی را به کار می‌برد که به نوعی، به باور و اعتقادات او تبدیل شده است، اما در زبان مقصد و فرهنگ زبانی و اعتقادی مردم آن، معروف یا محبوب نیست؛ مثلاً می‌توان به اقوامی اشاره کرد که در باب الهیات و یا مسائل انسانی، همچون روابط زناشویی به راحتی سخن می‌گویند، یا در کتب نمادها و نشانه‌ها که بسیاری از مسائل به صورت تابو و ممنوع در زبان مقصد درآمده‌اند و نیز بسیاری از ناسزاهایی که مردم یک قوم آن را به آسانی بر زبان می‌آورند و نیز جای‌ها و اعلام و... از این جمله به شمار می‌آیند. مترجم در این راستا، چاره‌ای جز ترجمه توصیفی یا توضیحی ندارد یا در صورت ترجمه محتوایی و مفهومی، معمولاً توضیحی به ترجمه خود اضافه می‌کند و اگر چنین نکند، ویراستار در ویرایش محتوایی و فنی خود و مطابقت زبان مبدأ و مقصد، این توضیحات را ذکر می‌نماید. همچنین، ممکن است «در باب موضوعی اقوال متعدّد نقل شده باشد و قول صاحب نظر معروف و معتبری از قلم افتاده باشد یا در سوابق مربوط به موضوعی، از مآخذ و تألیفات گوناگون یاد شده باشد و به مأخذی که فضل تقدّم یا اهمّیت اساسی دارد، اشاره نشده باشد» (همان). یعنی، ویراستار با توجه به کارهای مشابهی که انجام داده، ممکن است به مطلبی برخورده باشد که از چشم نویسنده به دور مانده است یا گاهی مترجم متنی را ترجمه کرده که مثلاً مربوط به بیست سال پیش است، در حالی که تاکنون کتب بی‌شماری در همان موضوع به چاپ رسیده، یا نویسنده در تأیید نظریه‌ای، کتاب و رساله‌ای نوشته که در زبانی بیگانه، این نظریه از نظر علمی رد شده است و نویسنده از آن مطلع نیست. این وظیفه ویراستار است که در ویرایش فنی و

محتوایی خود به همه این موارد اشاره کند، همچنان‌که بسیاری از سرقت‌های علمی و غیرعلمی نویسندگان با ویرایش آثار آنان برای ویراستاران مسجل می‌شود و ویراستاری که به فنون علمی و علوم مختلف، از جمله علم بلاغت و در آن از آرایه‌های حل، عقد، تضمین، درج، اقتباس و... آگاهی دارد، قطعاً موارد اقتباسی یا سرقات علمی را متذکر می‌شود یا در صورت نادرستی مطلب استشهادی، توضیحی اضافی در متن و ذیل نوشته یاد می‌کند. بدین ترتیب، ویراستار حین ویرایش بر کار مترجم و مؤلف نظارت می‌کند و کاستی‌های موجود در کار هر یک را اصلاح می‌کند.

- افزایش جمله توضیحی: توضیح و جمله توضیحی در متن، مثل این آیه که می‌فرماید: ﴿... فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَرَادَتْهُمْ ءِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ (التوبة/۵۴). (و در ترجمه فیض الإسلام آمده است: و آنان چون اعتقاد و باور دارند که برای خود و همکیشان‌شان نفع و سود دنیا و آخرت دارد به فرود آمدن آن شاد می‌شوند) (فیض الإسلام، ۱۳۷۸: ج ۱: ۳۹۷). یا جمله توضیحی در پاورقی ترجمه رمان اللص و الكلاب اث نجیب محفوظ از این جمله است: «خازوق، دومه، جنیه، عنتره و عید خماسین» (محفوظ، ۱۳۸۰: ۳۰، ۳۲، ۴۲، ۱۱۶ و ۱۳۹).

ب) در نوع دوم اضافه ویرایشی، می‌توان به افزودن علایم و نشانه‌های سجاوندی اشاره کرد که مراعات صحت این نشانه‌ها «جزو ویرایش فنی است» (همان: ۹۱) و افزودن بر «اصلاح»، «اعمال نشانه‌گذاری‌های متن» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۶) نیز جزو ویرایش فنی به شمار می‌آید و ویراستار در ویرایش فنی متون، با افزودن نشانه‌های ویرایشی، ابهامات و ابهامات خوانشی را برطرف می‌کند، باعث برجستگی و تأکید بخشی از متن می‌گردد و بخش یا بخش‌هایی از متن را از دیگر بخش‌ها متمایز می‌کند. به طور کلی، در «نوشته‌هایی که علائم نگارشی ندارند: ۱- به دشواری یا غلط خوانده می‌شوند. ۲- مفهوم آن به خوبی دریافت نمی‌شود. ۳- لحن و سبک خواندن و تکیه و آهنگ واژگان معلوم نمی‌شود. ۳- هدف نوشته روشن نمی‌شود. ۵- روابط دستوری اجزای جمله را در نمی‌یابیم» (همان: ۲۵-۲۶).

- افزایش نشانه‌های سجاوندی: مثال معروف «بخشایش لازم نیست اعدامش کنید» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۵) از این دست است که با افزایش نشانه‌گذاری (نشانه کاما)، دو گونه خوانده، و دو مفهوم از آن برداشت می‌شود (بخشیدن مّتهم / نبخشیدن مّتهم).

۳-۶- افزایش در ترجمه‌های قرآن

در ترجمه‌های قرآن نیز اضافه به دو صورت است:

الف) افزوده‌های تفسیری

ترکیب‌ها، اصطلاحات و جمله‌های تفسیری کوتاه و بلندی است که مترجم حین ترجمه می‌افزاید و غالباً این موارد اضافه در پراتز یا قالب گذاشته می‌شود تا مشخص شود افزوده مترجم است (ر.ک؛ غلامحسین زاده، ۱۳۸۶: ۵۷). به علاوه، این افزوده‌ها نوع نخست و برجسته افزایش هستند که برای فهم بهتر ترجمه، معمولاً از سوی مترجم داخل پراتز اضافه شده‌اند و این گونه تفسیرها و روشنگری‌ها به دلایل گوناگونی است؛ مانند رعایت امانت سخن الهی یا قداست متن اصلی قرآن، ایجاز جملات و آیات، اعجاز قرآن در حوزه بلاغی، به‌ویژه حوزه معانی و... از این رو، مترجم با حفظ سیاق آیات و پایبندی به اصول روش ترجمه لفظی، در عین حال، با ذکر جملات تفسیرگونه و کوتاه‌نوشته‌های توضیحی و تفسیری، دست به ترجمه محتوایی هم زده‌است که از نظر ویرایشی می‌توان بسیاری از این توضیحات را مختصرتر کرد و از اطناب تفسیری یا افزایش حجم ترجمه کاست؛ مثلاً به ترجمه‌های زیر و معادل‌های ویراسته آن‌ها دقت شود:

«... لئلاَّ یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَیْکُمْ حِجَّةٌ إِلَّا الَّذِینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ...» [ای مسلمانان] از مردم نترسید، تنها از [عدم اطاعت] من بترسید ﴿البقره/۱۵۰﴾ (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۵۳)؛ «... تا مردم جز ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی‌دارند)، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند (زیرا از نشانه‌های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند)» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۳).

– ویراسته ترجمه:

– «عدم طاعت = نافرمانی».

– ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی‌دارند) = جز ظالمان «لجبا/لجوج».

– «زیرا از نشانه‌های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او به سوی دو قبله نماز می‌خواند = زیرا از نشانه‌های پیامبر در کتب آسمانی پیشین، نماز به سوی دو قبله است».

ب) افزایش نشانه‌گذاری

نوع دوم اضافه در ترجمه‌های قرآن کریم، «افزایش علایم سجاوندی» است که یا اصلاً رعایت نشده، یا استعمال آنها درست نیست! چون یک عقیده آن است که مترجمان اصلاً اعتقادی به اعمال چنین نشانه‌هایی ندارند و نشانه‌گذاری را نوعی افزایش در متن اطلاق می‌کنند و قائل‌اند که چون در متن قرآن از چنین نشانه‌هایی استفاده نشده، لذا استعمال آنها در ترجمه نیز نادرست است. در پاسخ این گروه می‌توان «علایم تجوید» را معادل «نشانه‌های سجاوندی» امروزی دانست و شاید بتوان گفت یکی از اعجازهای قرآن (حال در تدوین یا اصل آن)، همین علایم تجوید است که با نشانه‌های

نقطه‌گذاری امروزی پهلو می‌زند (ر.ک؛ علامی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۵). عقیده دوم آن است که چون اکثر مترجمان و مفسران با زبان عربی آشنایی کامل دارند و به دلیل اینکه نشانه‌گذاری متون در زبان عربی چندان کاربرد ندارد (جز چند مورد اندک) و نیز افعال، کلمات، حروف و جملات، بیانگر موقعیت معنایی خود هستند، لذا در برخی ترجمه‌ها این اصول رعایت نشده‌است؛ مثلاً:

* ﴿وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ و خدای شما، خداوند یگانه‌ای است، که

غیر از او معبودی نیست!... ﴿(البقره/۱۶۳) (همان: ۲۴).

- ویراسته ترجمه: «و خدای شما، خداوند یگانه‌ای است که غیر از او معبودی نیست...» (بدون

کاما و نشان تعجب).

* ﴿وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ...﴾ و قطعاً شما را به

چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم... ﴿

(البقره/۱۵۵) (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۲۴).

- ویراسته ترجمه: «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس، گرسنگی، کاهش در اموال، جانها و

محصولات می‌آزماییم...».

در چنین شرایطی است که ویراستار می‌تواند کمکیار خوبی برای مترجم باشد و از یک سو، با

اعمال هر دو نوع ویرایش زبانی (رعایت اصول دستوری) و ویرایش فنی (رعایت سجاوندی) و

رعایت هنجارهای زبان مقصد در ترجمه‌ها و به تعبیر نیومارک، «به‌هنجار بودن ترجمه» (ر.ک؛

نیومارک، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۹) و از سوی دیگر، با افزودن توضیحات اضافی همچون مترجم (ویرایش

محتوایی)، در روشنگری معنای مستفاد از ترجمه و یا متن اصلی، نقش خود را به‌خوبی ایفا کند.

۷- حذف یا کاهش (Elimination)

علاوه بر مفهوم «اضافه»، واژه ویرایش، مفهوم «حذف» را نیز منتقل می‌کند (معین، ۱۳۷۱: ذیل

واژه) و شاید امروزه مفهوم و عمل حذف در ویرایش، از معانی و اعمال دیگر مشهورتر باشد و بیشتر

ویراستاران، ویرایش را همراه با نوعی «کوتاه، کم و حذف کردن» در زبان و محتوا می‌دانند، چنان‌که از

جمله معنایی واژه Edit در زبان انگلیسی، «حذف موارد یا مطالب نامناسب و غیرضروری» است

(Oxford Dictionary of English, 2010: 274).

۷-۱- حذف یا کاهش ترجمه‌های

حذف یا کاهش، از فونوی است که مترجم با به‌کارگیری آن می‌تواند در تنقیح متن ترجمه بکوشد. البته در این زمینه، دست او چندان باز نیست و رعایت امانت و وفاداری به متن لازم است، چون «موارد حذف در ترجمه خوب بسیار محدود یا حتی نادر است و مترجم وفادار جز در مواقع ضروری و اجتناب‌ناپذیر، اقدام به حذف مطلبی نمی‌کند» (کمالی، ۱۳۷۳: ۲۲-۳۰). بنابراین، توجه به «عنصر بافتار» و «مسائل فرهنگی» در کتب دینی مقدّس، مثل قرآن، انجیل و... لازم می‌نماید و مترجم نمی‌تواند بخشی از جمله را حذف کند یا سهواً نادیده انگارد و اعمال چنین عملی در این متون، تحریف و دخالت در محتوای آن است (ر.ک؛ لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۶: ۱۸۰). اما در متون غیردینی، معمولاً حذف در شرایط خاصّ زیر جایز است:

الف) مواردی مانند وضوح مطلب، تکراری بودن، خسته‌کننده بودن آن و نیز در صورتی که ذکر هنجارهای زبانی و فرهنگی زبان مبدأ در زبان مقصد مرسوم نباشد؛ مانند برخی از مثل‌ها یا عبارتهایی که نویسنده متأثر از فرهنگ زبانی، فکری و اجتماعی زندگی خویش در نوشته خود ذکر می‌کند، ولی مترجم با توجه به عرف جامعه خود نمی‌تواند آن را برگرداند؛ مثلاً ترجمه «قُمْتُ بِتَقْلِيمِ أَظْفَرِي»، چنین است: «ناخن‌هایم را کوتاه کردم». یا در جمله «شَارَكَ الدُّكْتُورُ طَهطَاوِي فِي جَلْسَةِ مُنَاقَشَةِ الرَّسَالَةِ الْمُقَدَّمَةِ مِنْ قِبَلِ سَيِّدِ عَبْدِ اللَّهِ...» که به جای «الْمُقَدَّمَةِ مِنْ قِبَلِ» در فارسی، تنها از حرف یاء مکسور استفاده می‌شود؛ یعنی «پایان‌نامه آقای عبدالله...». یا به عنوان مثال، «بَيَاضُ اللَّيْلِ وَ سَوَادُ النَّهَارِ» به «شبانه‌روز» ترجمه می‌شود (به نقل از؛ طهماسبی و جعفری، ۱۳۹۳: ۱۰۵). در این شواهد، حذف به دلیل هنجار زبان مقصد صورت گرفته است.

ب) نوع دیگر کاهش، حذف در مواردی است که اطناب در متن اصلی دیده می‌شود و مترجم معمولاً حین ترجمه دست به ویرایش سبکی و سبک‌شناسی آن می‌زند (Mossop, 2014: 74). در این مورد، دو راه پیش روی مترجم است: یا حذف کلی آن از متن مبدأ و یا ذکر معادلی دیگر برای آن در زبان مقصد که هر دو مورد را می‌توان ذیل ترجمه‌گاهی (Under Translation) نیز سنجید (ر.ک؛ فرح‌زاد، ۱۳۹۴: ۱۹۵). برخی از موارد حذف که نایدا بدان اشاره کرده است، عبارتند از: «حشو، ویژگی مرجع، کلمات عطفی و کلمات ندایی» (میرعمادی، ۱۳۶۹: ۱۴). از این موارد، در ترجمه، معمولاً در کلمات عطف، جز آخرین کلمات مترادف معطوف، بقیه موارد قابل حذف است و بدین گونه از اطناب متن کاسته می‌شود و این در ترجمه آزاد (برعکس ترجمه لفظ‌به‌لفظ) رنگ بیشتری به خود می‌گیرد؛ مثلاً در جمله زیر، کلمات معطوف باعث اطناب در ترجمه شده‌اند که حذف یکی از مترادفات، خللی

در ترجمه ایجاد نخواهد کرد: «لایوجد نور أشد سطوعاً و أكثر لمعاناً من الأشعة التي يبعثها الجنين السجين في ظلمة الأحشاء؛ و هیچ نوری و پرتویی تابان‌تر و هیچ اشعه‌ای شفاف‌تر و روشن‌تر از اینکه جنین زندانی که در تاریکی شکم قرار دارد، نورافشانی کند [وجود ندارد]» (به نقل از: سیدان، ۱۳۹۵: ۹۹).

۲-۷) حذف یا کاهش ویرایشی

ویراستار نیز همچون مترجم یا بیش از او دست به حذف برخی اجزای جمله می‌زند که مهم‌ترین موارد حذف در ویرایش عبارتند از: «حذف به سبب ناآشنایی مخاطب با زبان غیررسمی و معمول در جامعه مبدأ (Informal Spoken Language)، حذف عبارت‌ها و اصطلاحات جدید در زبان مبدأ (Recent expressions) و حذف در صورت وجود اصطلاحات فرهنگ بومی (Local culture)» (Mossop, 2014: 65). در فارسی بیشتر این نوع حذف به سبب تکرار و عطف واژگان صورت می‌گیرد: «جوانان و دانش‌آموزان عاقل و خردمند و باهوش، کار و شغلی را برای خود انتخاب می‌کنند و برمی‌گزینند که در هر عصر و زمانی و در هر شهر و دیاری مشتری و خریدار داشته باشد = جوانان خردمند و باهوش شغلی را برمی‌گزینند که همیشه و همه جا خریدار داشته باشد» (<http://najvayeghalam.com>).

۳-۷) حذف یا کاهش در ترجمه‌های قرآن

در ترجمه‌های قرآن نیز می‌توان کاهش ترجمه‌ای و ویرایشی را اعمال کرد و این نوع حذف را می‌توان با انواع حذف در علم معانی پیوند داد؛ چنان‌که علمای بلاغت به «ایجاز حذف» و «ایجاز قصر» در سطوح مختلف کلام قائل، و برای هر یک مصادیقی برشمرده‌اند؛ مثلاً مصادیق ایجاز حذف عبارتند از: حذف حرف، اسم مضاف، اسمی که مضاف‌إلیه واقع شده، اسم موصوف، صفتی که اسم واقع شده، شرط، جواب شرط، مسند، مسند‌إلیه، متعلق فعل، جمله، جملات و... (ر.ک؛ الهاشمی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۰۲-۴۰۶). ویراستار یا مترجم خوب از این گونه حذف‌ها و قصرها اطلاع کافی دارد و هنگام ترجمه یا ویرایش آن‌ها را اعمال می‌کند؛ یعنی در صورت تکرار موارد مذکور، با رعایت ایجاز حذف، دست به حذف و کاهش در متن می‌زند، با این شرط که خللی در معنای مفهوم ایجاد نشود و با قراین موجود بتوان معنا را به درستی درک کرد.

نایدا نیز برخی مصادیق حذف را در ترجمه ذکر کرده است که بیشتر یاد شد و می‌توان آن‌ها را با همین رویکرد علم معانی و اقسام اطناب مرتبط دانست؛ مثلاً در بسیاری از موارد، حذف حرف ندا در ندای معمولی جایز است (دربارهٔ موارد حذف «یا»، ر.ک؛ حسن، بی‌تا، ج ۴: ۳) که در ترجمه نیز می‌توان این

نکته را رعایت کرد، اما گاهی در ویرایش متن ترجمه، واژگانی که منادا قرار می‌گیرند نیز قابل حذف ترجمه‌ای هستند؛ مثل اکثر خطاب‌هایی که در قرآن با «یا ایها...» می‌آید، یا کلمات معطوف را با «کاما»، آورد یا حشوئیات ترجمه و مرجع کلمات (مثل ضمایر) را ذکر نکرد، چون همگی از اقسام اطناب هستند که به شرط ناپسندیده بودن، قابل حذف هستند؛ مثلاً از انواع حشو ملیح، متوسط و قبیح، تنها نوع اخیر است که به سبب رعایت نشدن هماهنگی ساختار و محتوا قابل حذف است (برای آگاهی بیشتر از انواع حشو؛ ر.ک؛ محبتی، ۱۳۸۰: ۱۲۰-۱۲۲).

الف) ندا

بخش ندا و منادا در بسیاری از ترجمه‌های قرآن قابل ویرایش هستند و بسیاری از مترجمان در این بخش به ترجمه لفظی پرداخته‌اند؛ مثلاً در ترجمه آیه ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ (البقره/۲۵) آمده است:

* «به آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کردند، بشارت ده...» (آیتی، ۱۳۷۴: ۵).

* «و مژده ده کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری پیشه کردند...» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۵).

* «و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده...» (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۵).

اما برخی نیز ویرایش را در ترجمه همین آیه به‌کار برده‌اند؛ مثلاً در ترجمه صفارزاده آمده است: «[و ای پیامبر!] به مؤمنان نیکوکار بشارت ده که...» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۱۱). هرچند می‌توان در صحت و سقم همین ترجمه نیز بحث کرد، اما به هر روی، مترجم به‌درستی دست به حذف ویرایشی زده است. همچنین، در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...﴾ ای افرادی که ایمان آورده‌اید!... (البقره/۱۵۳)، می‌توان به جای «ای افرادی که ایمان آورده‌اید!» از «ای مؤمنان! / گروندگان» استفاده کرد؛ چنان‌که گرامرودی در ترجمه خود تأکید می‌کند:

«برابر ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾، «ای مؤمنان» نهاده‌ام. شاید گفته شود که خداوند اگر می‌خواست، خود نیز «ای مؤمنان» می‌فرمود، و «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» را با تفصیل فرموده است تا بر ایمان مؤمنان به گونه‌ای تأکید فرموده باشد. در پاسخ عرض می‌کنم که بی‌گمان، در زبان عربی، ترجمه همین شیواتر است، اما در زبان فارسی نه آن شیوایی به دست می‌آید و نه آن تفاوت نشان‌دانی است. بنابراین، همان «ای مؤمنان» را نهادم که جای کمتری هم می‌گرفت» (موسوی گرامرودی، ۱۳۸۴: ۶۳۷). به‌علاوه، به ندا می‌توان با کاربرد نشان سجاوندی تعجب (!)، حتی حرف ندا را نیز حذف کرد؛ مثلاً در آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا...﴾ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و

پاکیزه بخورید!... ﴿البقره/۱۶۸﴾ می‌توان به جای «ای مردم!»، فقط واژه «مردم!» را ذکر کرد که خطاب و ندا را می‌رساند، چنان‌که یکی از کاربردهای تعجب، برای ندا و خطاب است (ر.ک؛ ایران‌زاده و شریف‌نسب، ۱۳۹۱: ۹۹).

ب) حشو

در اصطلاح «به کاربرد عناصر زاید و بی‌معنا و کلمات مترادف، بی‌آنکه این مترادف نقش توضیحی داشته باشد، حشو می‌گویند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۹۲). معمولاً حشو را در ترجمه‌های منظوم قرآن بررسی می‌کنند، اما در ترجمه‌های منثور نیز می‌توان برخی از کلمات ترجمه یا افزوده‌های تفسیری را حشو در نظر گرفت که بر افزایش حجم ترجمه افزوده‌اند و ویراستار می‌تواند با استفاده از حذف، در کلمات صرفه‌جویی کند. البته منظور از حشو در اینجا، حشو قبیح نیست، بلکه منظور هر گونه اضافه قابل حذف است (برای آگاهی بیشتر از حشو قبیح، ر.ک؛ اسفندیاری، ۱۳۸۴: ۳۱-۵)؛ مثلاً:

* ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا...﴾ ای افراد باایمان! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می‌کنید) نگویید... ﴿البقره/۱۰۴﴾.

در این متن، به جای جمله زیرخط‌دار می‌توان گفت: «هنگام تقاضای مهلت از پیغمبر برای درک آیات قرآن».

* ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً...﴾ خداوند از اینکه (به موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه، و... ﴿البقره/ ۲۶﴾ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۵).

در این ترجمه، واژه «ظاهراً» حشو است، چون «پشه» واقعاً کوچک و ریز است و نیاز به ذکر «ظاهراً» در ترجمه نیست.

* ﴿...أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا...﴾ هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز)، حاضر می‌کند... ﴿البقره/۱۴۸﴾ (همان: ۲۳).

در این ترجمه، «در برابر اعمال نیک و بد» و «روز» حشو است، چون خود «برای پاداش و کیفر، در رستاخیز» وافی به مقصود است.

۸ - تغییر [و جایگزینی] (Changment and Replacement)

یکی از مبانی مشترک در فرایند ترجمه و ویرایش، «تغییر» و «جایگزینی» است که اغلب توأمان عمل می‌کنند؛ یعنی تغییر واژه، نیازمند جایگزینی است. از این رو، افزون بر موضوع «تغییر» که در نظریه‌نایدا مد نظر است، بر «جایگزینی» نیز تأکید می‌شود، هرچند گاهی جایگزینی، مفهومی فراتر از

تغییر دارد؛ مثلاً گاهی مترجم به تغییر و جایگزینی واژگان، اصطلاحات، عبارات، مثل‌ها و... در حد جمله، یعنی در سطح خُرده‌متن (Micro Context) می‌پردازد و گاهی در سطح کلان‌متن (Macro Context) به جایگزینی دست می‌زند و مثلاً یک داستان یا فرهنگ مربوط به قومیت خود را جایگزین داستان یا فرهنگ قومی موجود در متن مبدأ می‌کند و در این موارد، معمولاً مترجم و ویراستار بنا به عرف و فرهنگ جامعه خود مجبور به چنین تغییرها و جایگزینی‌هاست و در صورت رعایت نشدن این موضوع، نوعی ترک ادب خواهد بود و رعایت امانت، به‌ویژه در ترجمه، مُخل خواهد بود و در صورت رعایت نشدن این مسئله از سوی مترجم، در وهله بعدی، این وظیفه ویراستار است که به مترجم گوشزد نماید.

۸-۱ - تغییر ترجمه‌ای

چنان‌که در شکل ۴ آمد، از نظر نایدا پیام یا متن مبدأ، پیش از برگردانده شدن و انتقال، از لحاظ معنای کلمات و ترکیبات و نیز روابط دستوری در محور همنشینی تحلیل می‌شود (ر.ک؛ فرح‌زاد، ۱۳۸۴: ۳۹-۴۰). لذا دست مترجم در تغییر و جایگزینی متن اصلی باز است که این موارد بسیار اندک می‌باشد. اما فرایند تغییر و جایگزینی در سطح خُرده‌متن کاملاً عادی و معمول است، البته این موضوع تا جایی صدق می‌کند که در فرایند ترجمه و انتقال پیام، رعایت امانت ملحوظ باشد. این گونه تغییرها معمولاً در «سبک ترجمه»، «هنجارهای ترجمه‌ای» (ر.ک؛ همان، ۱۳۹۴: ۱۶۸)، «ترتیب جملات» و «بندهای جمله» رخ می‌دهد (Mossop, 2014: 81). یعنی معمولاً ساختار جملات در دو زبان مبدأ و مقصد متفاوت است و مترجم برای بازتولید پیام متن مبدأ در زبان و متن مقصد، ناچار به تغییر ساختاری و دستوری جملات می‌باشد. در غیر این صورت، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی خواهد بود و با ساختار دستوری و زبانی متن مقصد منافات دارد؛ مثلاً ساختار زبان عربی (جملات فعلیه و اسمیه) با ساختار دستور زبان فارسی متفاوت است و ترجمه لفظی کلمات، مشکلاتی در خوانش و فهم مطلب به بار خواهد آورد که با اصول و قواعد ترجمه و تألیف مغایرت دارد. بنابراین، «تغییر ساختاری» در ترجمه، یکی از مصادیق «تغییر ترجمه‌ای» خواهد بود؛ مثال ساده آن، آیه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (الفاتحه/۶) است که چنین ترجمه می‌شود: «ما را به راه راست هدایت فرما». در این ترجمه، ساختار زبانی ترجمه به تبع ساختار دستوری در زبان مقصد، تغییر کرده‌است.

۸-۲ - تغییر ویرایشی

یکی از وظایف مهم ویراستار همچون مترجم، تغییر و جایگزینی است، اما وظیفه ویراستار اعم و پیچیده‌تر از کار مترجم است و همیشه «ویراستار خوب، مراقب هرگونه تغییر در متن است»

(Montagnes, 1991: 30). یعنی ویراستار، تغییرها را کنترل می‌کند، نه اینکه مانع از تغییر شود یا با هرگونه تغییر مخالف باشد؛ چراکه یکی از وظایف ویراستار، تغییر و جایگزینی خوب با بد و بهتر با خوب است و این شامل تغییر در ساختار و محتوا می‌شود و همه این تغییرها و جایگزینی‌ها برای تبیین مطلب است. بنابراین، گفته می‌شود که وظیفه یک ویراستار خوب، «تبیین و روشن کردن پیام است نه تغییر آن» (Ibid: 29)، هرچند هر گونه تبیین مطلب، با تغییر در ارتباط است. این تغییرهای ویراستار زیر نظر مترجم یا مؤلف انجام می‌شود و در صورت نیاز به تغییر، به سبب «اشتباه در مقدمه»، «اشتباه در متن»، «اشتباه در منطق کلام» و... لازم است آنها را یادآوری نماید که این موارد را هم می‌توان در سطح خُرده‌متن بررسی کرد؛ چنان‌که پیشتر، از قول استاد سمیعی گیلانی در بخش اضافه یا افزایش ویرایشی (۲-۴) ذکر شد (ر.ک؛ پورجوادی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۰۱) و هم می‌توان آن را جزو تغییرات در سطح کلان‌متن به‌شمار آورد (Mossop, 2014: 83)؛ مثلاً در جمله «این منتقدان هدفشان این بود که نشانه‌های بیماری یا حالت‌های غیرطبیعی را در آثار نویسندگان پیدا کنند» به «هدف این منتقدان آن بود که...» تغییر می‌یابد (تغییر در ساختار). یا در جمله «طبق توافق‌نامه انجام گرفته شده: طبق توافق انجام گرفته»، تغییر در ساختار، به دلیل اشتباه در منطق کلام است.

۸-۳ - تغییر در ترجمه‌های قرآن

در قرآن به سبب ماهیت زبان عربی و تفاوت ساختار جمله‌بندی و دستور دو زبان فارسی و عربی، مترجم ناچار است ساختار جملات عربی را به زبان فارسی برگرداند و این امری بدیهی است. در غیر این صورت، ترجمه خوانا و رسا نخواهد بود. گاهی نیز برخی ترجمه‌ها سعی در ترجمه لفظی آیات کرده‌اند که موجب وقفه در فهم متن ترجمه شده‌است. به‌علاوه، خود ترجمه از زبان عربی به فارسی نیز نوعی تغییر است که هر واژه به معادل خود در زبان فارسی تغییر می‌یابد، اما گاهی مترجمان در عمل معادلیابی واژگانی، برابری مناسبی برای واژه قرار نداده‌اند و یا اصلاً واژه اصلی را تغییر نداده، به همان صورت ذکر کرده‌اند. بنابراین، در صورت ویرایش ترجمه‌ها، ویراستار می‌تواند در ترتیب واژگان روی محور همنشینی یا در نوع واژگان، اصطلاحات و ترکیب‌ها دگرگونی ایجاد کند و برابری مناسبی برای واژه در نظر بگیرد یا با تغییر در ساختار جملات ترجمه، خوانش و درک آن را آسان‌تر سازد که این وظیفه ویراستار در حوزه «ویرایش فنی» بررسی می‌شود؛ چراکه یکی از وظایف ویراستار در این حوزه، تطابق زبان مبدأ و متن ترجمه (مقصد) و صحت و سقم بهینگی ترجمه است.

الف) تغییر ساختاری (در محور همنشینی کلمات)

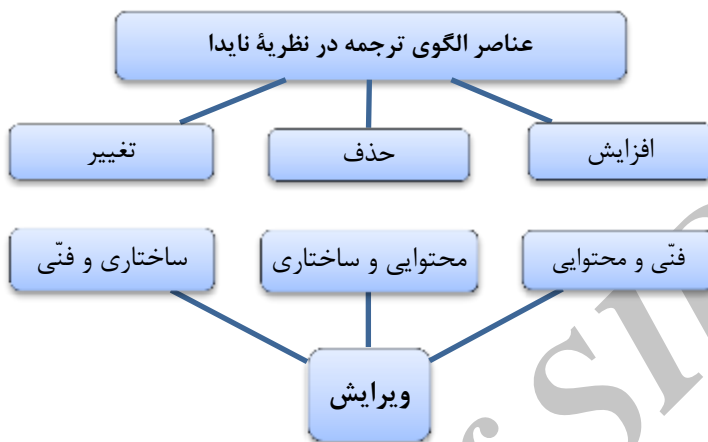
* ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ از شکیبایی و نماز یاری جوید. و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان ﴿(البقره / ۴۵)﴾ (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۷)؛ «از شکیبایی و نماز یاری جوید و به راستی این [کار] مگر بر فروتنان گران است».

ب) تغییر و جایگزینی جمله به مفرد

﴿... فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ ... پس برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که خود می دانید ﴿(البقره / ۲۲)﴾ (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۴؛ فیض الإسلام، ۱۳۷۸: ۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۵ و...)، جمله حالیّه پایان آیه را می توان به حال مفرد ویرایش کرد: «پس برای خداوند، دانسته همتایانی نیاورید» (گرمارودی، ۱۳۸۴: ۴)؛ مثال دیگر: در ترجمه المیزان آمده است: «و هر کس به قدر توانایی که دارد، در این مسیر گام بردارد» (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۳: ۳۶۷-۳۶۸) که می توان این جمله را با تغییر ساختار جمله به واژه اینگونه مختصر کرد: «و هر کس به قدر توانایی خویش در این مسیر گام بردارد».

۹ - الگوی پیوند ویرایش و عناصر سه گانه ترجمه در نظریه نایدا

با توجه به مدخل های پیشین، دلیل اصلی پیوند ویرایش و عناصر سه گانه ترجمه در نظریه نایدا را می توان شباهت کارکرد هر دو مورد در حوزه های زبانی و محتوایی ذکر کرد؛ یعنی ترجمه و ویرایش هم در حوزه زبانی و هم در حوزه محتوایی قابل بررسی هستند و تلاقی این دو در حین فرایند ترجمه و یا فرایند ویرایش متون ترجمه بر این مطلب صحه می گذارد؛ چنانکه سه مقوله «اضافه، حذف و تغییر» در الگوی ترجمه نایدا را که مترجم در حین فرایند ترجمه یا پس از آن مد نظر قرار می دهد می توان برابر با سه نوع ویرایش «فنی و محتوایی / ساختاری و ساختاری و فنی» قرار داد؛ با این توضیح که مقوله «افزایش ترجمه ای» بیشتر در «ویرایش فنی و محتوایی»، «حذف ترجمه ای» بیشتر در «ویرایش محتوایی و ساختاری» و «تغییر ترجمه ای» بیشتر در «ویرایش ساختاری و فنی» مشاهده می شود که شکل معادل آن به صورت زیر خواهد بود:



در وهلهٔ دوم، می‌توان در تفسیر این برابری‌های مقوله‌های ترجمه و انواع ویرایش می‌توان گفت که مترجمان نیز در فرایند ترجمه، آگاهانه یا ناآگاهانه دست به افزایش، کاهش و تغییر در ترجمه می‌زنند یا اینکه پس از ترجمه و در فرایند ویرایش، از نظر فنی - محتوایی، محتوایی - ساختاری و یا ساختاری- فنی به ویراستاری متن ترجمه خود اقدام می‌کنند که در این مرحله، فرایند ویرایش، بیشتر آگاهانه است.

افزون بر این، می‌توان مشترکات و مفارقات فراوانی میان مترجم و ویراستار و وظیفهٔ آن دو ذکر کرد و از دیدگاه‌های دیگری نیز این تقسیم‌بندی را انجام داد که در برخی از آثار، ضمن همکاری مترجم (و مؤلف) و ویراستار ذکر شده‌است. گذشته از این، گاهی ویرایش به عنوان یکی از هنرهای مترجم یاد می‌شود و قایل به «ویرایش ساختاری در حین ترجمه»، «ویرایش ذهنی به هنگام ترجمه»، «ویرایش سبک‌شناسی در طول ترجمه»، «ویرایش محتوایی در طول ترجمه» و... هستند (Mossop, 2014: 35, 73, 81, 89) که به همین مقدار بسنده می‌شود.

نتیجه

مطابق مطالب جستار حاضر، به اختصار می‌توان به نتایج زیر دست یافت:
(الف) نایدا در نظریه ترجمه خود بر برخی اصول تأکید کرده که مهم‌ترین آنها، اضافه، حذف و تغییر هستند.

(ب) ویرایش نیز از یک لحاظ به سه نوع «ویرایش ساختاری»، «ویرایش محتوایی» و «ویرایش فنی» تقسیم می‌گردد.

(ج) می‌توان عناصر نظریه نایدا در ترجمه را مقابل انواع ویرایش قرار داد، اما نظریه نایدا در زمینه ترجمه و به نوعی مربوط به بحث زبانشناسی است، اما با این حال در موارد بسیاری مترجم در محتوا نیز دخل و تصرف می‌کند، در حالی که ویراستاری هم مربوط به بحث زبان است و هم در پیوند با بحث محتواست؛ از این رو، می‌توان اضافه را با ویرایش زبانی و محتوایی، حذف را با ویرایش ساختاری و محتوایی، و تغییر را با ویرایش ساختاری و زبانی سنجد. از این سنجدش، می‌توان شباهت کار مترجم و ویراستار را دریافت و در واقع، لازم است مترجم در حین ترجمه به هنر و علم ویرایش نیز مسلط باشد و در غیر این صورت که امروزه بیشتر دیده می‌شود، بازنگری ویرایشی در متن ترجمه و به تبع آن، همکاری مترجم و ویراستار کاملاً محسوس است تا بدین گونه، متنی بدون خطاهای زبانی، ساختاری و محتوایی عرضه شود.

(د) در ترجمه‌های قرآن، مانند هر ترجمه دیگری، نیاز مبرم به ویرایش است و در بسیاری از موارد، برابری مناسب‌تری می‌توان جایگزین کرد، یا برخی موارد، دست به حذف زد. اما در باب افزایش مطرح در نظریه نایدا، غالباً مترجمان جملات افزوده را در داخل پرانتز یا گاهی قلاب نهاده‌اند و بدین ترتیب، وظیفه ویراستار در حوزه افزایش کاسته می‌شود؛ یعنی کمتر قادر خواهد بود جملات توضیحی و تفسیری به متن ترجمه بیفزاید؛ هرچند ممکن است ویراستار بتواند در جملات تفسیری افزوده مترجم، از منظر انواع ویرایش زبانی و محتوایی دخل و تصرف نماید.

(ه) اغلب مواردی که ویراستار می‌تواند همکار و یاریگر مترجمان قرآن باشد، جملات حالیه و منادا، حشو و... یا در سطح واژگان، معادل‌یابی‌های دقیق‌تر و مناسب‌تر با سیاق جملات انتخاب و گزینش کند و در واقع، مترجم در پی «معادل‌یابی» (ذهنی و بالقوه یا عملی و بالفعل) است و ویراستار در ویرایش خود به «معادل‌گزینی» می‌پردازد؛ هرچند هر یک از این دو، دیگری را نیز در نفس خود دارد و آن که «معادل‌یاب» است، به‌ناچار از میان معادل‌های گوناگون موجود، مناسب‌ترین را برمی‌گزیند و آن که «معادل‌گزین» است، مسلماً همه معادل‌های ممکن را پیش چشم داشته و یافته که یکی را از آن میان برمی‌گزیند و این نوع گزینش با توجه به دوری از فضای ترجمه و معادل‌یابی‌های لحظه‌ای مترجم، می‌تواند دقیق‌تر باشد و این خود نیز لزوم همکاری ویراستار با مترجم را ضرورت می‌بخشد.

منابع

- ۱ - آیتی، عبدالمحمّد. (۱۳۷۴). *ترجمه قرآن*. ج ۴. تهران: سروش.
- ۲ - اسفندیاری، محمّد. (۱۳۸۴). «حشو قبیح». *آیینة پژوهش*. س ۶. ش ۱ (پیاپی ۳۱). صص ۳۱-۵.
- ۳ - الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن*. ج ۲. قم: انتشارات فاطمة الزهراء.
- ۴ - ایران‌زاده، نعمت‌الله و مریم شریف‌نسب. (۱۳۹۱). *مهارت نوشتن*. ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۵ - پورجوادی، نصرالله... (۱۳۶۵). *درباره ویرایش*. ج ۱. چ ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۶ - حسن، عباس. (بی‌تا). *النحو الوافی*. ج ۴. چ ۳. مصر: دارالمعارف.
- ۷ - خزاعی‌فر، علی. (۱۳۸۹). «سبک نویسنده - سبک مترجم (موردپژوهی ترجمه ادبی در ایران)». *ماهنامه علوم انسانی مهرنامه*. س ۱. ش ۷. صص ۱-۶.
- ۸ - خلوصی، صفاء. (۱۹۸۲م). *فن الترجمة فی ضوء الدراسات المقارنّة. الجمهوریة العراقيّة*: دارالرشید لنشر (منشورات وزارة الثقافة والأعلام).
- ۹ - سایت مؤسسه نجوای قلم: <http://najvayeghalam.com>; ۱۳۹۶/۰۲/۰۶.
- ۱۰ - سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۸۳). *نگارش و ویرایش*. چ ۵. تهران: سمت.
- ۱۱ - سیدان، الهام. (۱۳۹۵). «نقد تقابلی ترجمه‌های فارسی *الأجنحة المتکسرة* جبران خلیل جبران». *دوفصلنامه ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۶. ش ۱۴. صص ۱۱۴-۸۹.
- ۱۲ - صلح‌جو، علی. (۱۳۸۵). *گفتمان و ترجمه*. چ ۴. تهران: نشر مرکز.
- ۱۳ - صفّارزاده، طاهره. (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن*. چ ۲. تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.
- ۱۴ - طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *تفسیرالمیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. چ ۵. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۵ - طهماسبی، عدنان و صدیقه جعفری. (۱۳۹۳). «جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرایند «معادل‌یابی معنوی» (بررسی موردی رمان *السكریة*)». *دوفصلنامه ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۴. ش ۱۰. صص ۹۹-۱۲۰.
- ۱۶ - علامی، ابوالفضل. (۱۳۸۹). «علائم وقف سجاوندی». *علوم قرآنی*. د ۷. ش ۴. صص ۲۰-۲۵.
- ۱۷ - غلامحسین‌زاده، غلامحسین. (۱۳۸۶). *راهنمای ویرایش*. چ ۶. تهران: سمت.

- ۱۸ - فرح‌زاد، فرزانه. (۱۳۷۰). *نخستین درس‌های ترجمه*. ج ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ . (۱۳۸۴). «نظریه نایدا». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. ۱۵. ش ۱. صص ۳۵-۴۶.
- ۱۹ - فرح‌زاد، فرزانه و افسانه محمدی شاهرخ. (۱۳۹۴). *فرهنگ جامع مطالعات ترجمه*. ج ۱. تهران: نشر علمی.
- ۲۰ - فولادوند، محمدمهدی. (۱۴۱۵ق.). *ترجمه قرآن*. ج ۱. تهران: هیئت علمی دارالقرآن الکریم.
- ۲۱ - فیض‌الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۷۸). *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*. ج ۱. تهران: فقیه.
- ۲۲ - کمالی، جواد. (۱۳۷۲). «حذف و اضافه در ترجمه». *مترجم*. س ۳. ش ۱۱ و ۱۲. صص ۳۱-۱۶.
- ۲۳ - لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۶). *درآمدی به اصول و روش ترجمه*. ج ۳. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۴ - محبتی، مهدی. (۱۳۸۰). *بدیع نو*. ج ۱. تهران: سخن.
- ۲۵ - محفوظ، نجیب. (۱۳۸۰). *اللص و الکلاب*. ترجمه بهمن رازانی. ج ۵. تهران: ققنوس.
- ۲۶ - معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ معین*. ج ۸. تهران: امیر کبیر.
- ۲۷ - مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن*. ج ۲. قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- ۲۸ - موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸۴). *ترجمه قرآن*. ج ۲. تهران: انتشارات قدیانی.
- ۲۹ - میرعمادی، سیدعلی. (۱۳۶۹). *تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان*. ج ۱. تهران: انتشارات بهارستان.
- ۳۰ - ناظمیان، رضا. (۱۳۹۲). *فن ترجمه از عربی به فارسی*. ج ۳. تهران: سمت.
- ۳۱ - نیومارک، پیترو. (۱۳۸۲). *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان. تهران: رهنما.
- ۳۲ - الهاشمی، أحمد. (۱۳۸۲). *جواهرالبلاغه*. ترجمه و شرح حسن عرفان. ج ۱. قم: نشر بلاغت.
- ۳۳ - یاحقی، محمدجعفر و محمدمهدی ناصح. (۱۳۷۳). *راهنمای نگارش و ویرایش*. ج ۱۲. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

34. Bassnett, Susan. (2002). *Translation Studies*. 3th Edn. London and New York: Taylor & Francis Group.

35. Munday, Jeremy. (2008). *Introduction Translation Studies Theories and Applications*. 2th Edn. London and New York: Routledge Taylor & Francis Group.

36. Nida, Eugene A and C.R. Taber. (2003). *The Theory and Practice of Translation*. 4th Edn. Leiden/ Boston: Brill.
37. Nida, Eugene A. (1964). *Towards a Science of Translation, with Special Reference to Principles and procedures Involved in Bible Translating*. Brill: Leiden.
38. *Oxford Dictionary of English*. (2010). United Kingdom: Oxford University Press.
39. Robinson, Douglas. (2003). *Becoming a Translator; an Introduction to the Theory and Practice of Translation*. 2nd edition. New York; Routledge, Taylor Si Francis Group.
40. Shaheen, Mohammad. (1991). *Theories of Translation and their Applications to the Teaching of English/ Arabic-Arabic/ English Translating*. Thesis Submitted for the Degree of Ph.D. in the Department of Arabic, Faculty of Arts. University of Glasgow.
41. *The Oxford Handbook of Translation Studies*. (2012). Kristen Malmkjær and Kevin Windle (Eds). Published to Oxford Handbooks Online
42. Williams, Jenny. (ND). *Theories of Translation*. UK: Palgrave MacMillan.